

بررسی تاثیرات ثابت مقطعی و زمانی میزان شادی ساکنین بر اساس تحول عملکردهای شهری (نمونه مورد مطالعه شهر مشهد)

رستم صابری فر، دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

احمد خلیلی نیا*، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۳

چکیده

هدف این بررسی، تعیین جایگاه تحول عملکردهای محیطی و اجتماعی کلان شهر مشهد، بر شادی ساکنین آن بود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه استاندارد مقیاس شادی آکسفورد که برای گردآوری اطلاعات اقتصادی و اجتماعی و عملکردهای شهری بازنویسی شده بود، به دست آمد. نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۷۸۰ خانوار در ۱۵۵ محله شهر مشهد بود. داده‌های گردآمده به این طریق، با استفاده از آماره F و خی دو و آزمون‌های هاسمن و لیمر و در محیط نرم افزار SPSS، تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که مناطق یازده و دوازده شهرداری مشهد با کسب امتیاز ۵/۹ در نردبان شادی، در جایگاه نخست قرار داشته و منطقه سه با ۵/۰ در پایین‌ترین رده قرار گرفته است. آزمون‌های آماری نیز نشان داد مناطق مورد بررسی از لحاظ برخورداری از شادی، تفاوت معناداری با هم داشته، اما شادی در هر یک از مناطق در طول زمان به صورت معناداری دستخوش تغییر نشده است. در نهایت مقادیر F و خی دو، برای آزمون همزمانی اثرات ثابت مقطعی و زمانی به ترتیب ۱۰/۷ و ۳۰۸/۵ بوده و نشانگر آن بود که اثرات ثابت هم در بین مناطق و هم برای هر منطقه، در طول زمان، وجود داشته است.

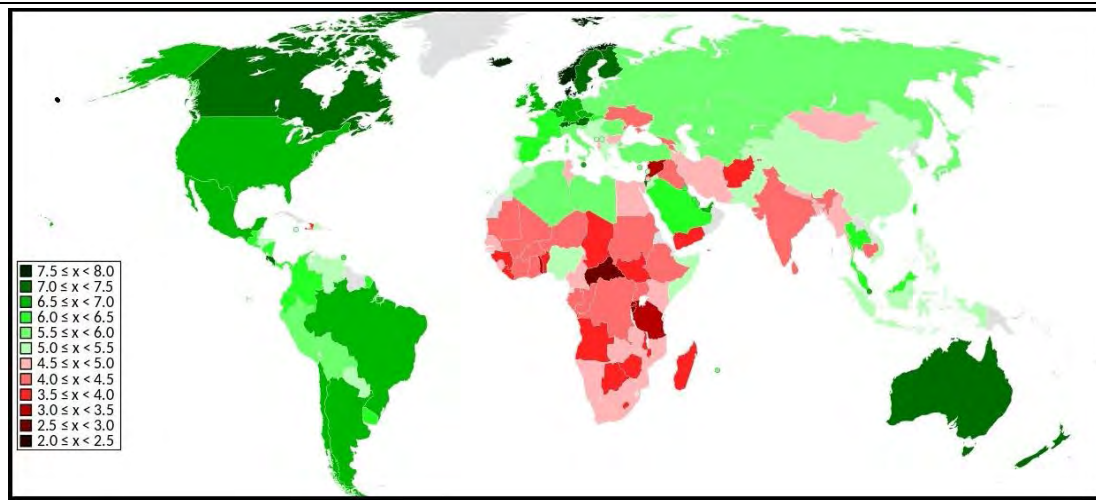
کلمات کلیدی: شادی، عملکردهای شهری، ثابت مقطعی، ثابت زمانی، مشهد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با وجود آن که انسان‌ها شهرها را می‌سازند، تغییر می‌دهند و حتی از بین می‌برند، شهرها نیز از راه‌های مختلفی در زندگی، رفتار و کنش فردی و جمعی انسان‌ها ذی نقش بوده و حتی به روش‌های متفاوتی در شکل دادن احساس و عاطفه ساکنین خود تاثیر گذارند. از همین رو، از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد، شاخه‌ای مطالعاتی به نام «روانشناسی شهر» پدید آمد. در این شاخه مطالعاتی که در سال‌های اخیر هم رو به گسترش گذاشته‌است، پرسش از این است که شهر چه تاثیری بر روح و روان ما می‌گذارد. در واقع، روانشناسان تلاش می‌کنند با توجه به نگاه ویژه‌ای که دارند، تاثیرپذیری فرد و روان او از ساختارهای شهری و ابعاد مختلف زندگی شهری را توضیح دهند. این در حالی است که شهر اگرچه همراه با تنش‌ها، فشارها و آسیب‌ها و مشکلات روانی برای شهروندان است، ولی به شکل‌های مختلفی شور، نشاط، امید، پویایی، تغییر و حس خوب زندگی را برای شهروندان فراهم می‌کند. به همین دلیل است که عده زیادی از مردم جهان از دو قرن پیش تا به امروز، شهر را به عنوان مقصد ایده‌آل زندگی خود انتخاب کرده‌اند. بنابراین، شهر همیشه مقوله‌ای چند وجهی و کثرالابعادی بوده‌است که طرفداران و مخالفان خاص خود را داشته‌است. هر یک از ابعاد زندگی شهری نیز چنین شرایطی دارند. به عنوان نمونه، یکی از عناصری که توسط اندیشمندان مختلف مورد بحث و بررسی‌های متفاوتی قرار گرفته‌است، مقوله شادی در شهر است. از دیدگاه بومن، شهر مجموعه‌ای از تضادهاست و حتی وقتی که شادی را تولید می‌کند، نمی‌توان به آن امید بست (برمن ۱۳۸۴: ۱۴۷)، اما مونتگمری (۲۰۱۳)، شهرها را بهترین مکان‌هایی می‌داند که می‌توان با تغییر طراحی، بالاترین سطح رضایت و شادی را فراهم آورد.

یکی از چالش‌های اساسی که در زمینه مطالعه و تحقیق در ارتباط با شادی و شهر شاد مطرح است، نبود تعریف جامع و مانع از این مقوله می‌باشد. به عنوان نمونه، در حالی که اندیشمندان علوم تجربی، شادی را نوعی احساس تلقی می‌کنند، فیلسوفان و علمای دینی آن را پایه و اساس زندگی سالم به حساب می‌آورند (اسونسن، ۱۳۹۷: ۱۸۸). در همین ارتباط، از قول حضرت علی (ع) روایت شده‌است که هر کس سرورش اندک باشد، آسودگی او در مرگ است (حرانی، ۱۳۸۲). اما دنیای کنونی و به خصوص شهرهای آلوده و شلوغ، به دلیل مشکلات و تنگناهای متعددی که برای انسان به وجود آورده‌اند، مجال شادی و سرور را از ساکنین خود گرفته‌اند. به طوری که بزرگترین شکایت ساکنین شهرهای بزرگ مربوط به بی‌تابی و نگرانی است که در مقابل محرک‌های مختلف شهر از خود نشان می‌دهند (پسندیده، ۱۳۸۸). البته به دلایل متعدد، شادی در مناطق روستایی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه، وضعیت بهتری از شهرها ندارد و می‌توان گفت میانگین شادی در این کشورها، بسیار پایین است. به عنوان مثال، طبق آمار ارائه شده از سوی موسسات بین‌المللی سنجش میزان شادی، در میان ۱۵۶ کشوری که در این گزارش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، ایران در رتبه ۱۰۸ و با میانگین رتبه ۴/۶۴۳ قرار گرفته است (شکل ۱). بر این اساس، رتبه ایران نسبت به سال قبل ۳ پله سقوط داشته‌است (Helliwell et al., 2018). این شرایط بر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و ... ساکنین اثر گذاشته و مشکلات متعددی را برای جامعه به وجود آورده‌است. به همین دلیل، سال‌هاست که اندیشمندان به دنبال روش‌هایی هستند که بتوانند این وضعیت را دگرگون نمایند. در پی این تحقیقات، مشخص شد که عوامل بسیاری شادی و رفاه ذهنی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. شادی و رفاه ذهنی حاصل اثرات تمامی عوامل موثر بر زندگی، اعم از عوامل شخصی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و ... است. اما، تحقیقات مربوط به عوامل فردی، اقتصادی و حتی اجتماعی، بخش زیادی از پیشینه تحقیقی این حوزه را به خود اختصاص داده‌است. این در حالی است که در ارتباط با مسائل جغرافیایی و محیط زیستی، تحقیقات صورت گرفته اندک و بعضاً نایاب است. به همین دلیل، این بررسی، تاثیر عوامل محیطی و پهنه‌های مسکونی بر ارتقای شادی ساکنین شهرها، به خصوص کلان شهر مشهد را به عنوان موضوع تحقیق برگزیده‌است.



شکل (۱): وضعیت توزیع شادی در جهان (Helliwell et al., 2018)

مواد و روش‌ها

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. داده‌های مورد نیاز از ۱۵۵۰ نفر مستقر در ۱۵۵ محله شهر مشهد و طی ۱۰ سال از ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ گردآوری شد. شیوه گردآوری در این بررسی به این نحو بود که گروه تحقیق، در فواصل دو ساله پرسشنامه‌های طراحی شده برای این تحقیق را تکمیل نموده و در نهایت با توجه به جمعیت شهر مشهد و برای آخرین مرحله تحقیق، با توجه به فرمول کوکران به شرح زیر نمونه‌ای به حجم ۳۸۲ نفر گزینش شدند.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

n = حجم جامعه نمونه؛

N = حجم جمعیت آماری؛

Z = مقدار متغیر نرمال واحد استاندارد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱/۹۶ می‌باشد؛

P = مقدار نسبت صفت موجود در جامعه است. اگر در اختیار نباشد می‌توان آن را ۰/۵ در نظر گرفت؛

q = درصد افرادی که فاقد آن صفت هستند (q=1-p) و

d = مقدار اشتباه مجاز: که ۰/۱ در نظر گرفته شده است.

البته با توجه به اهداف تحقیق و زمان در نظر گرفته شده و برای اطمینان بیشتر، این تعداد نمونه به ۸۰۰ نفر افزایش یافته و در نهایت به دلیل نواقص موجود، اطلاعات مربوط به ۷۸۰ نفر در ۱۵۵ محله شهر گرده آوری و وارد تحلیل نهایی شده و مورد ارزیابی قرار گرفت. یادآوری می‌شود که واحد تحلیل در این بررسی خانوار بود و به همین دلیل، در صورت حضور سرپرست خانوار، پرسشنامه‌ها در نزد ایشان و در صورت غیبت رئیس خانوار، جانشین و یا بزرگترین فرد بعد از وی، پاسخگوی سوالات بود. ابزاری گردآوری اطلاعات در این بررسی، پرسشنامه استاندارد مقیاس شادی آکسفورد (آرگیل، ۲۰۰۱) بود که برای گردآوری اطلاعات اقتصادی و اجتماعی و عملکردهای شهری بازنویسی گردیده بود. روایی این پرسشنامه با استفاده از شیوه تحلیل عاملی، همبستگی گویه‌ها با نمره کل و همبستگی با مقیاس تک سوالی اندرو وایتی انجام شد. برای تعیین پایایی از ضریب آلفا کرونباخ بهره‌برداری به عمل آمد که این ضریب در حد ۰/۸۳ به دست آمد و مشخص گردید که پرسشنامه از تناسب لازم برای اطلاعات مورد نیاز این تحقیق برخوردار می‌باشد.

پرسش این پژوهش، این گونه طرح شد که آیا بهبود عملکرد کلان شهرها می تواند افزایش شادی را به همراه داشته باشد؟ برای این سوال اساسی، فرضیه متناظر عنوان می داشت که بهبود عملکرد شهر بر شادی اثرگذار است. بنابراین، تلاش بررسی کنونی آن بود تا شدت و نوع این اثرگذاری را معین نماید. همانطور که بیان شد، داده های مورد نظر در این مطالعه از نوع تلفیقی بود. متغیر مستقل شادی و متغیرهای کنترلی، وضعیت توزیع درآمد، وضعیت مسکن و تاثیر منفی آلاینده های محیطی بود. برای هر یک از این متغیرها، روش های متفاوتی مورد استفاده قرار گرفت که چون در مطالعات قبلی به آن اشاره شده است، از ذکر جزئیات آن خودداری می شود. به عنوان نمونه، برای نشان دادن وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارها، از ضریب جینی استفاده گردید. همچنین و به پیروی از تحقیقاتی که در ارتباط با رابطه شادی با محیط زیست صورت گرفته بود، در این بررسی برای تعیین رابطه بین وضعیت عملکردهای شهری با شادی از معادله گراهام (۲۰۰۵) به شرح زیر استفاده شد.

$$W_{it} = \alpha + \beta X_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن W_{it} شادمانی خانوار i در زمان t ، X_{it} برداری از متغیرهای توضیحی و ε_{it} عوامل مخدوش کننده بود. این رگرسیون معمولاً R^2 کمتری نسبت به رگرسیون های دیگر ارائه می دهد، زیرا اندازه گیری احساسات و متغیرهای دیگر شادمانی و نشاط، با احتمال خطای بیشتر در سنجش همراه بوده و در مخدوش کننده ها خلاصه می شوند (برای اطلاع نگاه کنید به ابونوری و اسکندری، ۱۳۹۵).

مبتنی بر نظریه های موجود در ادبیات موضوع، می توان چنین استدلال کرد که شادی از عوامل مختلفی از جمله محیط سکونتی تاثیر می پذیرد. در همین راستا، پرسش پژوهش حاضر این است که آیا بهبود عملکرد شهری می تواند افزایش شادی را به همراه داشته باشد؟

یکی از بارزترین مشخصه های داده های تلفیقی که به منظور برآورد الگوی مورد پژوهش به کار گرفته می شود، این است که مجموعه مخدوش کننده ها را از یکدیگر مجزا نموده و به تغییرات سری زمانی و مکانی تفکیک می کند. مبتنی بر دیدگاه جورج مک کرون (۲۰۱۲) و نیز گراهام (۲۰۰۵)، شادی مطابق معادله زیر از پهنه های زندگی و محیط های شهری تاثیر می پذیرد:

$$Hap_{it} = \alpha + \beta UE_{it} + \delta X_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این معادله، Hap_{it} معرف شادی محله i در سال t ام، UE_{it} معرف شاخص عملکرد محله i در سال t ام، X_{it} معرف برداری از متغیرهای اثرگذار بر شادی محله i در سال t ام (که شامل تعادل درآمد، وضعیت در دسترس بودن واحدهای مسکونی کافی و متناسب و تاثیر منفی آلاینده های محیطی است) می باشد.

مبانی نظری

شادی به درجه یا میزانی اطلاق می شود که شخص به وسیله آن در باره مطلوب بودن کیفیت کلی زندگی خود قضاوت می کند. این قضاوت بر بسیاری از ارکان زندگی انسان اثرگذار است. مطالعات تجربی متعدد بیانگر آن است که بهبود شادی هوش، توانایی، انگیزه و در پی آن بهره وری را افزایش می دهد. این در حالی است که غم و اندوه، سبب بی تفاوتی و رخوت و در نتیجه کاهش بهره وری می شود. در واقع، در کشورهایی که مردم شادتر و از زندگی خود رضایت بالاتری دارند، رشد اقتصادی نیز بیشتر است (Li & Lu, 2009: 2). به همین دلیل، شادکامی در دهه های اخیر به منزله یکی از مهمترین مولفه های رفاه و توسعه اجتماعی جایگاه ویژه ای در ادبیات توسعه و سیاستگذاری های اجتماعی و رفاهی پیدا کرده است. شواهد موجود، از جمله گزارش های جهانی شادکامی (Helliwell et al., 2017 and 2018) و نیز نتایج پژوهش های متعدد داخلی (ذکایی، ۱۳۹۵؛ معیدفر، ۱۳۸۵؛ باصری، ۱۳۸۹؛ گنجی، ۱۳۸۷، چلبی و موسوی، ۱۳۸۷) وضعیت نسبتاً نامطلوب شادی در جامعه ایران را نشان می دهند. به

همین دلیل، اکنون بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم انسانی به این مقوله توجه نشان داده‌اند. به طوری که در سال‌های اخیر کتب و مقالات متعددی در این ارتباط منتشر شده‌است که از آن میان می‌توان به نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱)، فتاحی و محمدی-راد (۱۳۹۲)، برزمینی و همکاران (۱۳۹۴)، محمدیان منصور و همکاران (۱۳۹۴)، سماواتی و رنجبر (۱۳۹۷) و مرادی و هزارجریبی (۱۳۹۸)، اشاره نمود.

در تحلیل مفهوم شادی، نظریه‌پردازان بیشتر به دو مولفه شناختی و هیجانی اشاره نموده‌اند. مولفه شناختی بیشتر بر رضایت از زندگی و مولفه هیجانی، عمدتاً بر حالت‌هایی مانند خندیدن، شوخ طبعی و همچنین تعادل میان هیجان‌های مثبت و منفی دلالت دارند (آرگیل، ۲۰۰۱، سلیگمن، ۲۰۰۲). در الگوها و نظریه‌های رایج شده پیرامون شادی، مولفه‌های درون فردی و میان فردی چندی مطرح شده‌است. این حوزه که عمدتاً به مسائل روان‌شناختی توجه دارد، شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت، وضعیت اقتصادی، رضایت شغلی، سلامت، تاهل و جنسیت را مهم و اساسی قلمداد می‌کنند (میرشاه جعفری و همکاران، ۱۳۸۱).

از مجموعه مطالعاتی که از منظر جامعه‌شناسی به مبحث شادی پرداخته‌اند، می‌توان به آرگیل (۲۰۰۱)، اشاره نمود. وی ارتباطات اجتماعی را از مولفه‌های مهم شادی می‌داند و پیوندهای نزدیک همچون دوستی، عشق و ازدواج را از نمونه‌های بارز و اثرگذار بر بهکامی شمرده‌است. آرگیل بر این بارو است که خانواده یکی از قوی‌ترین پیوندهای ارتباط اجتماعی و ابعاد گوناگون آن مانند شمار اعضای خانواده، تحصیلات، درآمد، ساختار قدرت و همبستگی اعضای خانواده از تعیین‌کننده‌های شادی هستند و با اشاره به بررسی‌های کلاسیک در این زمینه، شواهد آزمایشی این ایده را ارایه می‌نماید.

در برخی از تحقیقات، در زمینه چگونگی شکل‌گیری ارتباط‌های خانوادگی به دو گونه جهت‌گیری: گفت و شنود و همنوایی اشاره کرده‌اند. به باور کوئرنر و فیتز پاتریک (۲۰۰۲) سوگیری گفت و شنود اشاره به شرایطی دارد که در آن خانواده، اعضا را به شرکت آزادانه و آسان در تعامل و گفتگو در زمینه‌های گوناگون تشویق می‌کند. اعضای خانواده‌های با گفت و شنود بالا، آزادانه، پیوسته و خودانگیخته با یکدیگر تعامل دارند و امکان طرح طیف گسترده‌ای از موضوعات بدون محدودیت زمانی را دارند.

متخصصان حوزه اقتصاد نیز شادی را بر اساس مولفه‌های اقتصادی تحلیل نموده‌اند. به عنوان مثال، فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۸۹)، به بررسی اثر متغیرهای کلان بر شادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه پرداختند. آنها از داده‌های مقطعی مربوط به ۴۰ کشور در حال توسعه و ۳۰ کشور توسعه‌یافته برای میانگین دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ استفاده کردند. نتایج این مطالعه بیانگر اثر مثبت درآمد سرانه و امید به زندگی در هر دو گروه کشورها و اثر منفی بیکاری در گروه کشورهای در حال توسعه بود.

گروهی از محققان از مباحث روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی فراتر رفته و مسائل طبیعی و جغرافیایی را در کانون توجه قرار داده‌اند. به عنوان مثال، ولش (۲۰۰۶) رابطه بین محیط زیست و رضایت از زندگی را با استفاده از مجموعه داده‌های پانل برای ده کشور اروپایی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ بررسی کرد. نتایج نشان داد معیارهای عینی آلودگی هوا اثرات منفی قابل توجهی بر سطح شادی ملت‌ها دارد. نتایج برخی پژوهش‌های دیگر بیانگر وجود رابطه بین شادی و میزان دسترسی به محیط‌های طبیعی است. از طرفی، تحقیقات مک کرو (۲۰۱۲) نشان داد که افراد در خارج از محیط شهری و در طبیعت به طور قابل توجهی شادتر هستند. مدیسون و ردانز (۲۰۱۱) کیفیت محیط زیست را به عنوان یک بعد مهم در ارزیابی کیفیت زندگی افراد بررسی کرده‌اند. در این دیدگاه، برقراری ارتباط بین شادی و محیط زیست با بهره‌گیری از نظریه بیوفیلیا صورت می‌گیرد که نخستین بار توسط ویلسون (۲۰۰۵) به منظور توصیف ماهیت ارتباط و پیوند تنگاتنگ بین انسان‌ها و طبیعت و دیگر اشکال حیات مطرح شد. شواهد

بسیاری دال بر مزایای احساسی و روان شناختی ارتباط انسان با طبیعت وجود دارد. به عنوان مثال، موریس (۲۰۰۳) نشان داد که حضور در طبیعت به کاهش سطح اضطراب و افسردگی، افزایش اعتماد به نفس و بهبود سلامت افراد منجر می‌شود. بر پایه تحقیقات راشل و استفان کاپلان (۱۹۹۸) که از پایه‌گذاران نظریه بازسازی تمرکز ذهنی هستند، مردم به طور کلی، محیط طبیعی را به محیط مصنوع ترجیح می‌دهند و واکنش‌های مثبتی را در ابعاد فیزیکی و روانی به هنگام مواجهه با مصادیق طبیعت از خود نشان می‌دهند. به باور اولریچ و همکاران (۱۹۹۱)، حتی تصاویر طبیعت و صداهای محیط طبیعی اثرات مثبت ادراکی بر افراد دارند. برمن و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان دادند که تمرکز و توجه مداوم، مانند مطالعه و کار کردن پشت یک میز، ذهن را دچار فرسودگی کرده و به خستگی یا پراکندگی تمرکز ذهنی منجر می‌شود. در همین ارتباط، نظریه بازسازی تمرکز ذهنی کاپلان الگوی کاربردی مناسبی برای کاهش فشار روانی و اضطراب در محیط‌های شهری ارائه می‌دهد. نظریه مهم دیگر، قابلیت محیطی است که توسط جیمز کیسون (۱۹۹۴) ارائه شده است و به شرح کارآیی، شایستگی و قابلیت‌های فرافیزیکی محیط می‌پردازد. به عقیده وی، هر عنصری در محیط علاوه بر عملکرد مترتب بر خود، دارای قابلیت‌های دیگری می‌باشد که می‌تواند تاثیرات متفاوت و گاه متضادی را در پی داشته باشد.

اما یک فضای شهری عمومی عالی، نوعی کالای جادویی است که هیچگاه از شاد کردن افراد دست بر نمی‌دارد. مشکل اساسی این است که شهرهای کنونی ما اکنون بر مدار خودرو شکل گرفته و فضاهای عمومی و منابع در حد وسیعی خصوصی سازی شده است. به طوری که مونته‌گمری (۲۰۱۳) با طنزی زیر کانه اعلام می‌کند که راز شادی، فرار دسته جمعی از شهر است. شاید ساخت برندهای مانند دیسنی لند در جهان پاسخی بوده باشد به این نیاز اساسی که توانست در سال ۱۹۵۵ خود را به صدر شادترین مکان‌های روزی زمین برساند.

اصولاً فضاهای عمومی شهری باید بزرگترین وظیفه خود را فراهم سازی زمینه تعامل و ارتباط ساکنین با یکدیگر بدانند. چون کلیدی ترین عامل شادی داشتن ارتباط با سایرین است. در همین راستا، تحقیقات زیادی موید این نکته هستند که هویت ملی، هویت محلی و روابط اجتماعی (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۸)، از عوامل اساسی شادی شهروندان است. علاوه بر آن، اعلام شده است که اگر فضای عمومی بیشتری طراحی کنیم، مردم بیشتری جذب کرده و در پی آن، زندگی عمومی بیشتری را فراهم خواهیم کرد. به هر صورت، باید انسان‌ها را از وسایلی که تنهایی و انزوایشان را افزایش می‌دهند، دور سازیم. به طوری که مونته‌گمری (۲۰۱۳) اعلام می‌دارد، هر چه تلویزیون بیشتری تماشا کنید، دوستان کمتر، خودبینی بیشتر و شادی کمتری خواهید داشت. محققان دیگری هم هستند که معتقدند که همه عملکرد ما وابسته به فضایی است که در آن زندگی می‌کنیم. از دیدگاه المستند، یک فضای عمومی خوب، به مردم کمک خواهد کرد که با تسهیم کردن آن و شناخت یکدیگر، موانع شاد زیستن را از بین ببرند. ریچارد و مونتروما اعتقاد دارند شهر دقیقاً خلاصه آن چیزی است که مردم در باره آن می‌اندیشند. شهر یک مفهوم ذهنی است. ایده‌ای است که در آن هر شهروند سهیم است و از آن سود می‌برد. مونته‌گمری (۲۰۱۳) اعلام می‌کند، زمانی که اندکی نزدیکتر حرکت کرده و ترس کمتری ایجاد نماییم، شهرهای شادتری خواهیم داشت.

لوئیز مامفورد می‌گوید، شهر مکانی است که گسترده‌ترین امکانات را برای مکالمات مردم فراهم می‌نماید. محاوره هدف نهایی زندگی در شهر است. بنابراین باید هدف عمده توسعه شهر برنامه‌ریزی برای گسترش قلمرو این گفتگو بوده و شرایطی فراهم نماید که عده بیشتری از افراد در این گفتگو مشارکت نمایند. حتی در ایران نیز یکی از شیوه‌های افزایش میزان شادی در شهرها، تعبیه مکان‌هایی در فضاهای عمومی شهر، مانند پارک‌ها و نیز فضاهای تفریحی طبیعی نزدیک آن، عنوان شده است (مرادی و هزار جریبی، ۱۳۹۸: ۶۹).

به دلیل قلت فضاهای عمومی سالم و عزمی راسخ برای برنامه‌ریزی و توسعه این گونه فضاها، شهروندان باید سعی نمایند تا فضاهایی را به وجود آورند که گفتگو دو و چند جانبه را زمینه‌سازی نمایند تا روابط اجتماعی گسترده‌تری صورت گرفته و از این طریق، شادی پایدارتری فراهم آید. شاید به همین دلیل است که در تحقیقات بسیاری، درآمد، احساس منزلت نقشی، رضایت از امکانات منطقه‌ای، سرمایه اجتماعی، برخورداری از حقوق شهروندی، استفاده از امکانات (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۹۰)، به عنوان عوامل اساسی دسترسی به شهرهای شاد عنوان شده‌است. توصیه کارشناسان برای رفع این معضل اساسی آن است که انسان میزان صبر و قابلیت تاب‌آوری خود را افزایش دهد. چرا که تنها از این طریق است که می‌تواند هیجانات منفی خود را به طرز چشمگیری کاهش دهد (سامانی و دیگران، ۱۳۸۶). این در حالی است که پاسخ‌های حق‌شناسانه نسبت به زندگی، می‌تواند منجر به آرامش روحی بیشتر، سلامت جسمی و روابط شخصی عمیق‌تر و ارضاکننده‌تر شود. به عبارت دیگر و همانطور که اشنایدر و لوپز (۱۳۹۰) عنوان نموده‌اند، انسان باید سپاسگزار باشد. سپاسگزاری نوعی نگرش درونی بدون توجه به شرایط زندگی کافی است. به هر حال و با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان عنوان نمود که متغیرهای اثرگذار بر شادی به دو گروه عوامل و متغیرهای اثرگذار در سطح خرد (فردی) و عوامل و متغیرهای اثرگذار در سطح کلان (اجتماعی) طبقه‌بندی می‌شوند (شکل ۲ و ۳).

عوامل مهم در سطح کلان که شادی را دستخوش تغییر می‌سازند عبارتند از:

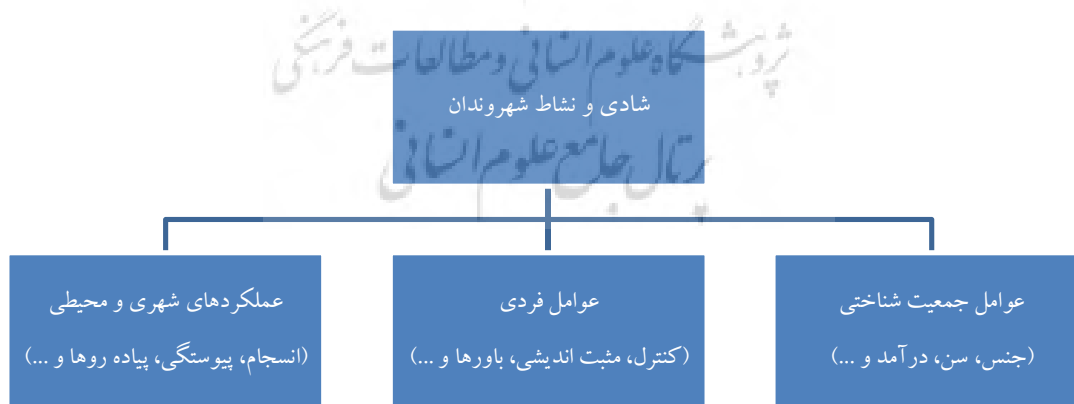
شرایط کلان اقتصادی (مانند وجود شکاف طبقات و نرخ رشد اقتصادی)؛

شرایط نهادی (آزادی سیاسی، دموکراسی و حاکمیت قانون)؛

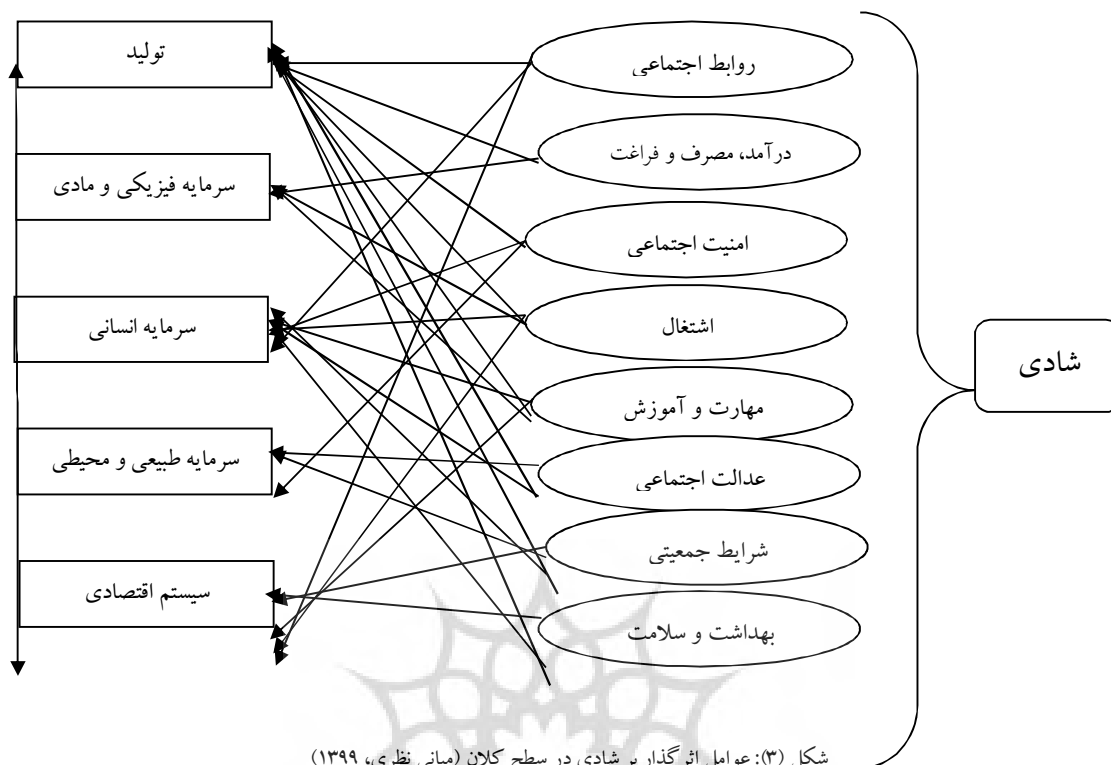
آسیب‌های اجتماعی (وجود تروریسم و نبودن اعتماد اجتماعی، وجود فساد و جنگ داخلی) و

برخورداری از منابع طبیعی و امکانات محیط زیستی.

عوامل اساسی ذی‌مدخل در سطح خرد نیز، شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت، وضعیت اقتصادی، رضایت شغلی، سلامت، تاهل و جنسیت می‌باشد که در این تحقیق، با توجه به اطلاعات در دسترس، بر حسب نیاز از عوامل و متغیرهای خرد و کلان به صورت توانمان، بهره‌برداری به عمل آمده‌است.



شکل (۲): عوامل اثرگذار بر شادی در سطح خرد (مبانی نظری، ۱۳۹۹)



شکل (۳): عوامل اثرگذار بر شادی در سطح کلان (مبانی نظری، ۱۳۹۹)

یافته‌ها

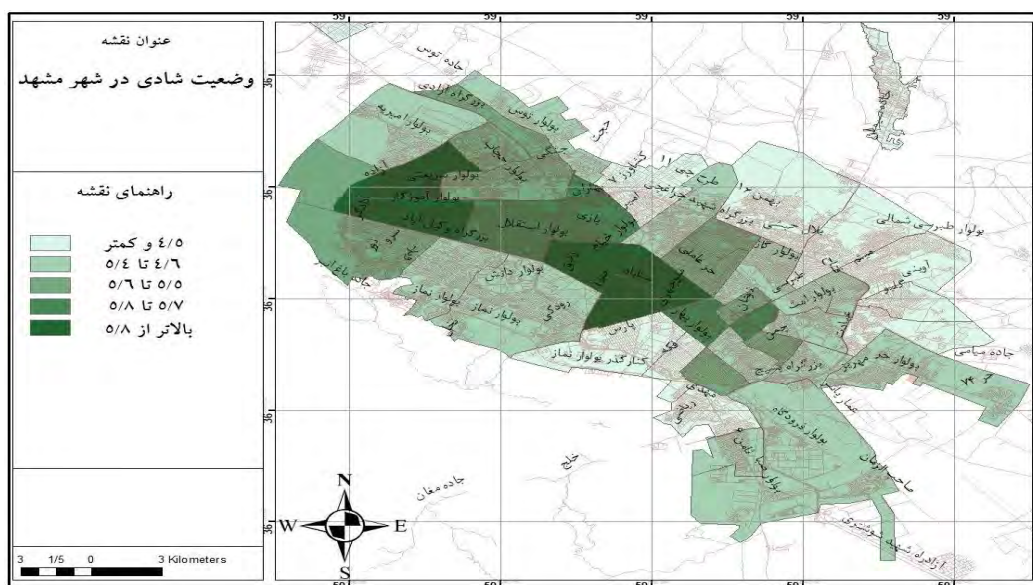
از آنجا که آمار مربوط به میزان شادی در شهرهای مختلف ایران در دسترس نبوده و این مهم در ارتباط با محله‌های شهری بسیار نادر و اصولاً موجود نیست، در این بررسی سعی شد که مقیاس شادی بر اساس شاخص‌های بین‌المللی تعیین گردد تا ضمن امکان مقایسه با شرایط جهانی، معیاری برای بررسی‌های بعدی در این حوزه فراهم آید. بنابراین، وضعیت شادی در مشهد و محلات مورد بررسی بر اساس شاخص استاندارد سازمان ملل صورت گرفت. به این معنا که در یک سوال وضعیت شادی در قالب احساس مورد اندازه‌گیری قرار گرفته و از پاسخگو درخواست شد تا بگوید آیا دیروز شاد بوده‌است و یا خیر؟ در سؤالی دیگری و در قالب ارزیابی، از پاسخگو درخواست شد تا عنوان نماید آیا به طور کلی در زندگی خود شاد است؟ مطابق این سوال، درک و احساس و ارزیابی پاسخگو از وضعیت زندگی خود که معرف شادی است، در قالب نردبان کانتریل صورت گرفت. یعنی از افراد خواسته شد نخست مطابق شکل ارائه شده، نردبان ده پله‌ای را در نظر گرفته و پله صفر را معرف بدترین زندگی ممکن و ده را معرف بهترین تصور نمایند و جایگاه خود را در این نردبان علامت‌بزنند. مطابق این اطلاعات، وضعیت متوسط شادی در شهر مشهد ۵/۵ به دست آمد که اگرچه با وضعیت جهانی فاصله زیادی را نشان می‌دهد، اما از وضعیت متوسط شادی در ایران یعنی ۴/۶ بالاتری می‌باشد. مطابق این اطلاعات وضعیت شادی در شهر مشهد تفاوت‌های بارزی را نشان می‌دهد. به طوری که مناطق یازده و دوازده شهرداری مشهد با کسب امتیاز ۵/۹ در نردبان شادی، در جایگاه نخست قرار داشته و منطقه ۳ با ۵/۰ در پایین‌ترین رده قرار گرفته‌اند (جدول ۱).

جدول (۱): وضعیت شادی در مناطق سیزده گانه شهرداری مشهد

رتبه	میزان شادی	منطقه
۲	۵/۸	۱
۸	۵/۱	۲
۹	۵/۰	۳
۸	۵/۱	۴
۸	۵/۱	۵
۵	۵/۵	۶
۶	۵/۴	۷
۷	۵/۲	۸
۴	۵/۶	۹
۳	۵/۷	۱۰
۱	۵/۹	۱۱
۱	۵/۹	۱۲
۳	۵/۷	ثامن
	۵/۵	میانگین کل

البته اطلاعات ارائه شده در جدول فوق، میانگین هر یک از مناطق را نشان داده و گاهی در هر منطقه، محلات شرایط کاملا متفاوتی داشته و ممکن است از شرایط میانگین بالاتر و یا پایین تر باشند. برای آن که وضعیت شادی در هر محله به طور دقیق تر نشان داده شود، شکل ۴، تهیه شده است. همانطور که در این شکل مشخص می‌باشد، اصولا مناطق مرکزی و غربی مشهد، از شرایط شادی بهتری برخوردار بوده و بخش‌های شمالی و شرقی، در شرایط نامناسب تری قرار دارند.

داده‌های جدول ۱، اگرچه وضعیت شادی را در شهر مشهد نشان می‌دهد و بیانگر آن است که اختلاف فاحشی بین مناطق شهری از نظر احساس شادی مطرح می‌باشد، اما برای آن که معناداری این تفاوت‌های از نظر آماری مشخص شود، نیاز است تا این وضعیت با مدل‌های آماری مورد تحلیل قرار گیرد. به این منظور، از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن بهره‌برداری به عمل آمد. مقدار F و خی دو برای آزمون اثرات ثابت مقطعی، به ترتیب برابر با ۱۱، ۳۰۵/۸ است که در ناحیه بحرانی قرار دارند و بدان معناست که اثرات ثابت مقطعی وجود دارد. بدین ترتیب، مناطق مورد بررسی از لحاظ برخوردار از شادی، تفاوت معناداری با هم دارند. همچنین مقادیر F معادل ۰/۲۲ و خی دو مساوی ۱/۴ برای آزمون اثرات زمانی هم نشان می‌دهد که اثرات ثابت زمانی وجود ندارد. این نتیجه گویای آن است که شادی در هر یک از مناطق در طول زمان به صورت معناداری دستخوش تغییر نشده است. در نهایت مقادیر F و خی دو برای آزمون همزمان اثرات ثابت مقطعی و زمانی به ترتیب ۱۰/۷ و ۳۰۸/۵ است که حاکی از آن است که اثرات ثابت هم در بین مقاطع (مناطق) و هم برای هر منطقه، در طول زمان، وجود دارد (جدول ۲).



شکل (۴): توزیع وضعیت شادی در بین محلات شهر مشهد.

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون F لیبر برای مناطق سیزدهگانه شهرداری مشهد

درجه اطمینان	درجه آزادی	مقدار آماره	شرح
۰/۰۰۰	۱۵۴	۱۰/۹۵	آماره F در اثرات ثابت مقطعی
۰/۰۰۰۰	۱۲	۳۰۵/۸	آماره F در اثرات ثابت مقطعی
۰/۵۶۰۷	۱۵۴	۰/۲۲	آماره F در اثرات ثابت زمانی
۰/۴۱۸۲	۳	۱/۴	آماره F در اثرات ثابت زمانی
۰/۰۰۰	۱۵۴	۱۰/۷	آماره F در اثرات ثابت مقطعی و زمانی
۰/۰۰۰	۱۲	۳۰۸/۵	آماره F در اثرات ثابت مقطعی و زمانی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

نتیجه اصلی آزمون هاسمن تحت آماره خی دو نمایش داده می‌شود. با توجه به این که مقدار مربوط به این آماره بزرگ بوده (خی دو مساوی ۱۵۰/۱۷) و در ناحیه بحرانی قرار دارد و فرضیه‌ها صفر مبنی بر مناسب بودن اثرات تصادفی رد می‌شود (جدول ۳). لذا مدل اثرات ثابت توجیه داشته و قابل اتکاست.

جدول (۳): نتایج آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت یا تصادفی برای مناطق سیزدهگانه شهرداری مشهد

احتمال	درجه آزادی	آماره خی دو	نوع آزمون
۰/۰۰۰۲	۱۲	۱۵/۱۷	هاسمن

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

برای آن که وضعیت تحولات به طور دقیق تر مشخص گردد، ارائه نتایج حاصل از برآورد مدل با روش اثرات ثابت نیز ضروری است. نتایج حاصل از تخمین مدل به روش اثرات ثابت را می‌توان در جدول ۴ مشاهده کرد که در آن متغیر وابسته شادی است. با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل بهبود عملکرد کلان شهر مشهد، مشخص می‌گردد که ارتقای وضعیت عملکردهای اصلی شهر، تاثیر مثبت و معناداری بر شادی برجای گذاشته است. به این ترتیب، شادی ادراک شده توسط هر شخص می‌تواند متأثر از

وضعیت محیط مسکونی او دچار تحول و تغییر شود. مطابق این نتایج، تنها یک یا دو عامل به تنهایی نمی‌تواند سطح شادی شهروندان را تغییر دهد. بلکه مجموعه‌ای از شرایط این امر را ممکن می‌سازد. بر اساس یافته‌های این بررسی، افزایش شکاف طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی و فضایی و نیز افزایش اثر ابعاد منفی و ناخوشایند محیطی دارای تاثیر منفی بر شادی می‌باشند. در مقابل، برخورداری مناسب و در حد نیاز از واحد مسکونی، میزان شادی افراد و خانواده‌ها را به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد داد.

جدول (۴): نتایج برآورد الگو

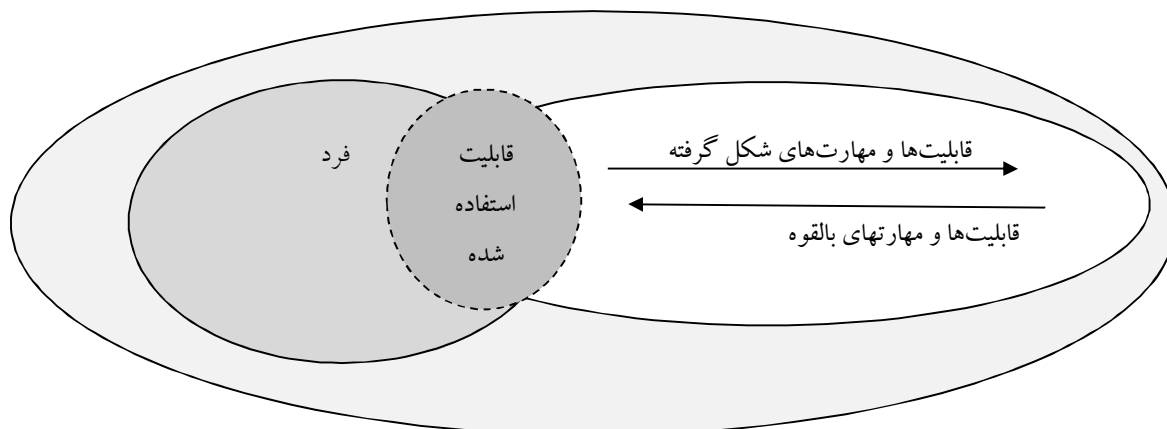
متغیرها	ضرایب	انحراف معیار	آماري تی	احتمال
عملکردهای شهری	۰/۰۴۷۷	۰/۲۰۱۰	۰/۱۴۶۷	۰/۰۰۱۸
تملك مسكن	۱/۱۶۰۸	۰/۱۲۰۸	۷/۰۱۴۰	۰/۰۰۰۰
تغییرات درآمدي	-۴/۰۶۷۶	۰/۸۳۱۷	-۳/۵۷۰۰	۰/۰۰۰۰
اثر منفی محیطی	-۱/۹۷۵۸	۰/۳۱۹۸	-۴/۵۰۹۶	۰/۰۰۰۰
عرض از مبدا	۲/۶۶۳۸	۱/۱۴۶۲	۱/۵۲۱۹	۰/۰۲۸۹
سطح اطمینان=۰/۰۰۰۰	مقدار اف=۲۷/۷۳		آر دو=۰/۷۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

بنابراین، می‌توان عنوان نمود که داده‌های گردآوری شده در این بررسی نشانگر آن است که فرضیه مطرح شده را نمی‌توان مردود اعلام کرد. به عبارت دیگر، بهبود عملکردهای شهری، بر ارتقای وضعیت شادی مردم اثر مثبت و معناداری دارد. در واقع، شهرهایی که بر اساس نیاز و خواست شهروندان ساماندهی شده‌باشند، توانمندا و قابلیت‌های بالقوه ساکنین را به بالفعل مبدیل می‌سازند. چرا که اصولاً تنها بخشی از قابلیت‌های محیط سکونتی که توسط عامل انسانی پوشش داده شده، جنبه عملکردی یافته و بارور می‌شود. این در حالی است که جنبه‌های زیادی در حد قابلیت باقی مانده و تنها بخش‌هایی جنبه عملکردی پیدا می‌کند که عامل انسانی، اجازه بروز آن را بدهد(شکل ۵).

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌های متعددی در ارتباط با کلان شهرها نشان داده است که این مجموعه‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. مشکلات مورد اشاره به نحوی است که اغلب آنان به شکل دور جلوه‌گر می‌شوند. به عنوان مثال، فرد بیکار بیشتر مستعد ابتلا به رفتارهای خطرناک همانند مصرف مواد مخدر است؛ وقتی به این مواد معتاد شد، ناچار است برای تامین نیاز خود دست به سرقت بزند؛ وقتی دست به سرقت زد؛ ناچار است زندان و مشکلات مربوطه را تحمل نماید. طبیعی است که افراد زندانی نمی‌توانند از خانواده خود حمایت کرده و مراقبت‌های لازم را از خانواده به عمل آورند. افراد خانواده‌های دارای سرپرست زندانی در معرض انواع و اقسام جرایم و بزهکاری‌های اجتماعی هستند و به همین دلیل، نمی‌توان مشکلات شهری را به صورت مجزا و بدون ارتباط با یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و مرتفع نمود. چرا که شهر یک سیستم با زیرسیستم‌های فراوان و گاه متضاد است. در ارتباط با موضوع شادی نیز چنین شرایطی مطرح می‌باشد. یعنی شادی مردم و خانواده‌ها به خصوص کسانی که در شهرهای بزرگ سکونت دارند، به مجموعه متعددی از عوامل بستگی دارد. چنانچه یکی از این مولفه‌ها در جهت دلخواه قرار نداشته‌باشد، تامین و ارتقا سطح شادی مردم غیر ممکن و یا حداقل بسیار مشکل است.



شکل (۵): وضعیت بروز قابلیت‌های و مهارت‌های انسانی در محیط‌های شهری

تحقیق حاضر با این فرض آغاز شد که بهبود عملکردهای شهری، بر ارتقای وضعیت شادی مردم اثر گذار است. به این معنا که هر یک از عملکردهای شهری از جمله وضعیت اشتغال، ترافیک، مسکن و محیط زیست اگر شرایط زیست پایدار و سرزنده را فراهم آورند، قادر خواهند بود بر نشاط و شادی مردم اثر گذار باشند. در همین راستا، نتایج این بررسی نشان داد که افزایش آلاینده‌ها به خصوص آلودگی هوا و صوتی می‌تواند اثر منفی بر شادی مردم بگذارد. این یافته در سایر مطالعات صورت گرفته در این حوزه مورد تایید قرار گرفته است. به عنوان مثال، هارتیک و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که محیط‌های شهری آلوده و ناسالم، می‌توانند خلق و خوی انسان و تمرکز و عملکرد ذهنی وی را تغییر دهند.

در این بررسی، مشخص شد که تغییرات درآمدی و شکاف طبقاتی زیاد، میزان شادی را تحت تاثیر قرار داده و در شرایط وجود شکاف طبقاتی زیاد، نمی‌توان انتظار داشت که ساکنین از وضعیت شادی مناسبی برخوردار باشند. در همین ارتباط، استرلین (۱۹۷۴) ادعا نمود که همبستگی مثبتی بین درآمد و شادی وجود دارد؛ اما تحلیل داده‌های طولی نشان می‌دهد به مرور زمان با افزایش ثروت، شادی ثابت می‌ماند و افرادی که زیر خطر مشخصی از درآمد قرار دارند، شادی نازلی دارند (Easterlin, 2005: 42). البته تحقیقات دیگری نیز به همین نتیجه دست پیدا نموده‌اند که از آن میان می‌توان به کار نوبیشی و همکاران (۲۰۱۱) اشاره نمود که نشان دادند، رابطه معکوس بین نابرابری در ثروت و شادی وجود دارد. مطابق مطالعه فری و استاترز (۲۰۰۰) نیز مشخص شد که درآمد به علت ایجاد فرصت به دست آوردن کالاهای مورد درخواست بشر و نیز به علت کسب شأن و جایگاه اجتماعی بالاتر، می‌تواند موجب افزایش رفاه و شادی شود. اما آنچه شادی افراد را دستخوش تغییر می‌سازد، نه فقط کسب درآمد و افزایش سطح سرانه آن برای افراد جوامع گوناگون، که چگونگی توزیع آن است.

از یافته‌های مهم دیگری این بررسی آن بود که در اختیار داشتن مسکن و محل سکونت مناسب، تاثیر مثبت و مستقیمی بر روی سطح شادی دارد. در همین ارتباط جاکوبز (۱۹۶۱)، عنوان نمود که دسترسی به مسکن استاندارد و محیط مسکونی پاسخگو، یکی از عوامل اصلی تامین شادی و نشاط خانوار است. در ایران نیز پوراحمد و همکاران (۱۳۹۰) در شهر خرم‌آباد دریافتند که وضعیت محیط مسکونی، بر میزان رضایت و نشاط مردم، اثر گذار می‌باشد. البته قبل از آن صابری فر (۱۳۷۸)، اعلام نموده بود که مسکن به مفهوم محلی برای سکون و آرامش، به عنوان اصلی‌ترین کاربری اراضی شهری و یکی از سه رکن فعالیت‌های انسانی (سکونت - کار و گذران اوقات فراغت)، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. در این بررسی ابعاد متفاوت کیفیت واحد مسکونی، مد نظر

قرار نداشته است، اما تحقیقاتی وفایی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که کیفیت واحد مسکونی در اختیار بسیار بیشتر از نوع مالکیت آن، بر آرامش و رضایت افراد اثرگذار است.

محاسبات صورت گرفته در این بررسی نشان داد که میانگین شادی در شهر مشهد حدود ۵/۵ است که این میزان اگرچه از متوسط ایران بالاتر می‌باشد، لیکن در مقایسه با سایر کلان شهرها به خصوص تهران در شرایط مناسبی قرار ندارد. به عنوان نمونه در تحقیق سماواتی و رنجبر (۱۳۹۷) مشخص شد که میانگین احساس شادی در بیش شهروندان تهرانی ۵/۹ از ۱۰ می‌باشد. این گروه نتیجه‌گیری نمودند که چهار مولفه اصلی ویژگی‌های کالبدی، کیفیت‌های فضای شهری، ابعاد ذهنی و ویژگی‌های جامعه، مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شادی هستند و در این میان مولفه‌های کالبدی از بالاترین تاثیرگذاری بر شادی برخوردار است. این تفاوت، علاوه بر این که به موقعیت سیاسی و تجاری این دو شهر بر می‌گردد، می‌تواند به نوع تاکید بر شاخص‌های مورد بررسی مرتبط باشد. چرا که در تحقیق سماواتی و رنجبر به تفاوت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (تنوع، پوشش گیاهی، سرزندگی، دل‌بستگی به مکان، حس امنیت، انعطاف‌پذیری و خاطره‌انگیزی) تاکید چندانی صورت نگرفته و تاکید اصلی بر ویژگی‌های کالبدی (انسجام و پیوستگی فضایی، پیاده‌مداری، دوچرخه سواری و عناصر محیطی) بوده است.

در این بررسی مشخص شد که مناطق و نواحی شهر مشهد، از نظر میزان شادی تفاوت دارند. این یافته با نتایج مطالعه اکبری (۱۳۹۴) تا حدودی هماهنگ می‌باشد. البته اکبری در مطالعه خود میزان شادی را بر حسب درصد و در طیف صفر تا صد درجه‌بندی کرده‌بود. با این وجود، وضعیت شادی مناطق سیزده‌گانه شهر مشهد در کار اکبری و مطالعه حاضر، اندکی متفاوت می‌باشد. شاید یکی از دلایل این امر آن باشد که مطالعه اکبری تنها در یک سال و به صورت پرسش از احساس بوده است. مطابق این مطالعه مناطق شهرداری دارای جمعیت حاشیه‌نشین و فقیر، شادی کمتری را نشان داده‌اند، اما یافته‌های بررسی عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) مشخص ساخت که میزان شادی حاشیه‌نشینان شهر تبریز، در حد متوسط و رو به بالاست. در این ارتباط می‌توان گفت که اصولاً شهر تبریز نسبت به شهر مشهد، از جمعیت حاشیه‌نشین کمتری برخوردار می‌باشد. به طوری که مطابق مطالعات صورت گرفته (وفایی، ۱۳۹۷) کلان شهر مشهد از نظر تعداد ساکنین در رتبه دوم کشوری بعد از سنندج قرار دارد. علاوه بر آن، در مطالعه عباس‌زاده و همکاران، تنها احساس شادی در افراد مورد سنجش قرار گرفته است. اما در مطالعه حاضر علاوه بر احساس، ارزیابی نیز مدنظر بوده است که ممکن است، دلیل اختلاف همین ورود متغیر کنترل‌کننده ارزیابی باشد. البته در مطالعه هادی‌زاده زرگر و نسترن (۱۳۹۲)، مشخص شد که میزان شادی در منطقه ثامن (۲/۸)، منطقه یک (۳/۹) و منطقه ده (۳/۱) است. این در حالی است که این مقدار در مطالعه حاضر به ترتیب ۵/۷، ۵/۸، ۵/۷ به دست آمده است. همانطور که مشاهده می‌شود، رتبه‌بندی در این مطالعه و بررسی هادی‌زاده زرگر و نسترن تغییر پیدا کرده و اعداد اختصاص یافته به هر منطقه نیز متفاوت می‌باشد. این اختلاف در درجه اول مربوط به تفاوت در شاخص‌گذاری است. علاوه بر آن، در مطالعه هادی‌زاده زرگر و نسترن برای تعیین وضعیت شادی مناطق مورد نظر، تنها به نمونه‌گیری از یک ناحیه اکتفا شده، ولی در مطالعه حاضر تعداد محله‌های انتخابی در هر منطقه، حدود ۱۰ محله بوده است. آخرین نکته قابل ذکر نیز این است که فاصله زمانی این دو بررسی هم متفاوت بوده و می‌توان اختلافات را به تحولات صورت گرفته در طی زمان مربوط دانست. در مطالعه بخارایی و همکاران (۱۳۹۷)، عنوان شد که در بین مناطق شهری مشهد، منطقه ده در جایگاه اول و منطقه پنج، در آخرین رتبه‌بندی قرار داشته است. اما مطابق مطالعه حاضر منطقه پنج در آخرین جایگاه قرار نداشته و با یک پله صعود به رتبه ماقبل آخر ارتقا پیدا نموده است. موقعیت منطقه ده نیز از رتبه اول به سوم تغییر مکان داده است. دلیل این تفاوت را بایستی در نوع نمونه‌گیری و شیوه گردآوری اطلاعات عنوان نمود. به عنوان مثال، در مطالعه بخارایی و همکاران، تمام افراد ۱۸ سال و بالاتر در نمونه مورد پرسش قرار گرفته و در مطالعه حاضر این پرسش از سرپرست خانوار و یا جانشین وی بوده است. علاوه بر آن، نمونه‌گیری بخارایی بدون محدودبندی‌های محله‌ای انجام شده و در

مطالعه کنونی، نمونه‌ها بر اساس محله‌بندی‌های شهرداری مشهد انجام شده‌است. علاوه بر آن، بخارایی و همکاران، درجه شادی را برآورده نموده و برای کل منطقه در نظر گرفته‌اند، اما در مطالعه حاضر، عدد نشانگر وضعیت شادی منطقه، میانگین شادی محلات همان منطقه می‌باشد.

این مطالعه، محدودیت‌هایی نیز داشت که از مهمترین آنها می‌توان به عدم دسترسی به آمار و اطلاعات رسمی و ثبت شده، اشاره نمود. به همین دلیل، برای گردآوری اطلاعات، از تکمیل پرسشنامه استفاده شد. در تکمیل پرسشنامه به خصوص در شرایط کنونی و به طور خاص، مطرح بودن قطع و یا ادامه یارانه‌ها، اکثر افراد تمایل دارند، میزان درآمد و یا سایر شرایط زندگی خود را نامناسب ارائه دهند. این وضعیت در ارتباط میزان شادی نیز ممکن است، مطرح باشد. اما با توجه به این که این مشکل برای کل جمعیت مورد بررسی صادق خواهد بود، بنابراین، این نقیصه بر نتایج تاثیرگذار نخواهد بود. علاوه بر آن، به دلیل شرکت افراد مختلف در جمع‌آوری اطلاعات و به خصوص تغییر خانوارها در دوره‌های زمانی انجام تحقیق، داده‌های مورد استفاده دارای ناهمخوانی بود. این مشکل نیز با گزینش پرسشنامه‌هایی که بیشترین شباهت را با هم داشته و حذف داده‌های پرت، ظاهراً تاثیر چندانی بر نتایج نداشته‌است. در نهایت پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، علاوه بر تحولات عملکردی شهر بر میزان شادی مردم، تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز در کانون توجه قرار گیرد.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و اسکندری، جمال (۱۳۹۵): مقایسه اثرات تورم و بیکاری بر شادمانی، فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۵، صص. ۱۵۲-۱۳۷.
- اسونسن، لارس (۱۳۹۷): فلسفه تنهایی، ترجمه خشایار دیهیمی، انتشارات نشر نو، تهران.
- اشنایدر، لوپز (۱۳۹۰): معنویت و روان‌شناسی مثبت، ترجمه مهرداد کلاتری؛ راضیه طباطبائی؛ الهام آقایی و پریناز سجادیان، کنکاش، اصفهان.
- باصری، احمد (۱۳۷۹): نقش توسعه شادی و نشاط در افزایش روحیه حماسی، فصلنامه روان‌شناسی نظامی، ۲، صص. ۷۱-۶۱.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴): اشارت‌های پست مدرنیته، ترجمه حسن چاوشیان، ققنوس، تهران.
- بخارایی، احمد؛ صنعتی، نادر؛ رستمی، شاه بخت و شربتیان، محمد حسن (۱۳۹۷): تحلیل فضایی نشاط اجتماعی در سطح مناطق شهری مشهد، برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، شماره ۱۱، صص. ۱۵۳-۱۳۴.
- برزمینی، لیلا؛ باباپور، مریم و خوارزمی رحیم‌آبادی، رحمت‌اله (۱۳۹۴): شادی و نشاط، مبانی، مفاهیم، نظریه‌ها و عوامل موثر، انتشارات، بلور، تهران.
- برمن، مارشال (۱۳۸۴): تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، ترجمه مراد فرهاد پور، طرح نو، تهران.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۸): شادکامی از دیدگاه پیامبر اعظم (ص): کتاب طه، قم.
- پورا احمد، احمد؛ فرهودی، رحمت‌اله؛ حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز (۱۳۹۰): بررسی نقش کیفیت محیط سکونتی در مهاجرت‌های درون شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم خرم‌آباد)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، صص. ۳۶-۱۷.
- چلبی، مسعود و موسوی، محمد (۱۳۸۷): بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲، صص. ۷۵-۳۴.
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲): تحفت العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، انتشارات آل علی، قم.

ذکایی، محمد (۱۳۹۵): نشاط اجتماعی: موانع، فرصت‌ها و سیاست‌ها، در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی کشور، وزارت کشور، تهران.

ربانی، رسول؛ کریمی‌زاده اردکانی، سمیه؛ نظری، جواد و رضایی امینلویی، حسین (۱۳۸۸): تبیین نشاط اجتماعی در بین اقوام و رابطه آن با هویت جمعی؛ مطالعه موردی: اقوام آذری، کرد و لر، فصلنامه جامعه‌شناسی، شماره ۴، صص. ۹۵-۱۱۵.

ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی خوراسگانی، رسول و گنجی، محمد (۱۳۹۰): رویکرد جامعه‌شناختی به احساس شادمانی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱، صص ۳۹-۷۳.

سامانی، سیامک؛ جوکار، بهرام و صحراگرد، نرگس (۱۳۸۶): تاب‌آوری، سلامت روانی و رضایتمندی از زندگی، مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، شماره ۳، صص. ۱۳-۳.

سماواتی، سحر و رنجبر، احسان (۱۳۹۷): بازشناسی عوامل موثر بر شادی در فضاهای عمومی شهری، مطالعات شهری، شماره ۲۹، صص. ۱۸-۳.

عباس‌زاده، محمد؛ قاسم‌زاده، داود و صالح، نوشین (۱۳۹۵): بررسی ارتباط بین اشکال سرمایه و شادی در بین حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان، مورد مطالعه، شهر تبریز، شماره ۲۹، صص. ۱۵۷-۱۸۴.

فتاحی، شهرام و محمدی‌راد، منصور (۱۳۹۲): بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر شادی و ارتباط آن با بهره‌وری نیروی کار، انتشارات سخنوران، تهران.

فتح‌آبادی، مهدی؛ محمودزاده، محمود و جعفری، سمیه (۱۳۸۹): اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر خوشنودی، مطالعه بین‌کشوری با رهیافت تحلیل حدهای نهایی، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۱۱، صص. ۳۳-۵۳.

گنجی، محمد (۱۳۸۷): تحلیل عوامل جامعه‌شناختی موثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

محمدیان منصور، صاحب؛ گل‌خندان، ابوالقاسم، خوانساری، مجتبی و گل‌خندان، داود (۱۳۹۴): تحلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر شادی (یک تحلیل اقتصادی‌سنجی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذهبی)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۵، صص. ۱۶۳-۱۲۵.

مرادی، سجاد و هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۸): تحلیل عوامل و راهبردهای موثر بر ارتقای شادکامی در استان ایلام، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱، صص. ۳۹-۷۲.

معیدفر، سعید (۱۳۸۵): جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات نور علم، تهران.
میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عبادی، محمدرضا و دریکوندی، هدایت‌الله (۱۳۸۱): شادمانی و عوامل موثر بر آن تازه‌های علوم شناختی، شماره ۱۵، صص. ۵۸-۵۰.

نیلی، فرهاد و بابازاده خراسانی، بهزاد (۱۳۹۱): شناسایی عوامل موثر بر رفاه ذهنی در ایران، پژوهش‌های پولی و بانکی، شماره ۶، صص. ۲۷-۴۸.

هادی‌زاده زرگر، صادق و نسترن، مهین (۱۳۹۲): سنجش پایداری اجتماعی در سطح محلات دریا دل، گوهرشاد و شاهد مشهد، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲۱، صص. ۱۳۹-۱۵۶.

Argyle, M. (2001): The psychology of happiness, Rutledge, London.

Berman, M. G., Jonides, J., & Kaplan, S. (2008): The cognitive benefits of interacting with nature, Psychological science, 19(12), pp. 1207-1212.

Easterlin, R. A. (1974): Does economic growth improve the human lot? Some empirical evidence, Nations and households in economic growth, 89, pp. 89-125.

Frey, B.S., Stutzer, A. (2002): Happiness and Economics: How the Economy and Institutions Affect Well-Being, Princeton University Press, Princeton.

Graham, Charles (2005): The Economics of Happiness, Journal of World Economics, 6(3): 125-129.

- Greeno, J. G. (1994): Gibson's affordances, Harvard University Press, Harvard.
- Hartig, T., Mitchell, R., De Vries, S., & Frumkin, H. (2014): Nature and health, Annual review of public health, 35, pp. 207-228.
- Helliwell, J. Layard, R. & Sachs, J. (2017): World Happiness Report 2017, Sustainable Development Solutions Network, New York.
- Helliwell, J. Layard, R. & Sachs, J. (2018): World Happiness Report 2018, Sustainable Development Solutions Network, New York.
- Jacobs, Jane (1961): The Death and life of Great American Cities, Rondon House: New York.
- Kaplan, R., & Kaplan, S. (1998): The experience of nature: A psychological perspective, CUP Archive, UK.
- Koerner, A. F., & Maki, L. (2004): Family communication patterns & social support in families of origin & adult children subsequent intimate relationships, Paper presented at the International Association for Relationship Research Conference, Madison: WI.
- Li, B. & Lu, Y. (2009): Happiness and Development: The Effect of Mental Well-being on Economic Growth, Conference on Improving the Human Destiny, 11-12 June 2009, Lingnan University, 2, pp. 1-17.
- MacKerron, G. (2012): Happiness and Environmental Quality, London: School of Economics and Political Science, Available from: <http://etheses.lse.ac.uk/383/>.
- Maddison, D., & Rehdanz, K. (2011): The impact of climate on life satisfaction, Ecological Economics, 70(12), pp. 2437-2445.
- Montgomery, C. (2013): Happy city: transforming our lives through urban design, Macmillan, London.
- Morris, N. (2003): Health, well-being and open space, Edinburgh College of Art and Heriot-Watt University, Edinburgh.
- Oishi, S. Kesebir, S. & Diener, E. (2011): Income Inequality and Happiness, Psychological Sciences, 22(9), pp. 1095-1100.
- Seligman, M. E. P. (2002): Positive psychology, positive prevention, and positive therapy, In C.R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), Handbook of positive psychology, New York.
- Ulrich, R. S., Simons, R. F., Losito, B. D., Fiorito, E., Miles, M. A., & Zelson, M. (1991): Stress recovery during exposure to natural and urban environments, Journal of environmental psychology, 11(3), pp. 201-230.
- Welsch, H. (2006): Environment and happiness: Valuation of air pollution using life satisfaction data, Ecological economics, 58(4), pp. 801-813.
- Wilson, E. O. (2005): Sociobiology, Harvard University Press, Harvard.